

# پرداخت یارانه نقدی، کمک به فقرا نیست



**شرایط سنی و سرانه بیمه کشاورزان و روستاییان اعلام شد**  
مدیرعامل صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر فرایند پوشش بیمه‌ای کشاورزان و روستاییان را اعلام کرد.  
بیت‌اله برقراری در گفت‌وگو با مهر گفت: محدودیتی برای پذیرش و قرار گرفتن افراد برای استفاده از بیمه وجود ندارد. در صندوق روستاییان و عشایر ۸ سطح پرداختی برای بیمه‌شدگان در نظر گرفته شده و افراد پس از قرار گرفتن زیر پوشش بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر در دوران بازنشستگی مستمری دریافت می‌کنند.  
وی افزود: کسانی که وارد این صندوق بشوند باید ۱۵ سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشند که پرداخت حق بیمه از ۱۸ سالگی آغاز و سن بازنشستگی در این صندوق نیز ۶۵ سال در نظر گرفته شده است. برقراری در ارتباط با پرداخت سرانه بیمه‌شدگان گفت: در سطح یک، بیمه‌شده ماهیانه ۳۲ هزار و ۵۰۰ تومان پرداخت می‌کند و مابقی را دولت پرداخت می‌کند. در سطح ۸ نیز از سوی بیمه‌شده ۹۵ هزار تومان به عنوان حق بیمه پرداخت می‌شود و دولت نیز سهم خود را پرداخت می‌کند. مدیرعامل صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر گفت: در سایر سطوح نیز حق بیمه پرداختی از سوی بیمه‌شده و دولت متفاوت است.



**۶۳ درصد تقاضا در دست سه دهک بالای درآمدی است. بنابراین اگر تقاضای ایجاد شده توسط این سه دهک، کنترل شود، تورم هم کنترل می‌شود یعنی اینکه نیازی به کاهش سطح قدرت خرید مردم وجود ندارد**

بیانگر شکاف طبقاتی، در این وضعیت وحشتناک قرار نمی‌گرفت.

در ۴ دهه گذشته هم به تناسب رشد اقتصادی و در سال‌هایی حتی فراتر از آن، دولت از مردم درخواست دریافت مالیات کرد اما به جز چند برهه محدود مانند

سال ۸۷ شاهد کاهش شکاف طبقاتی برای یک مدت محدود نبودیم. برخی معتقدند که آغاز پرداخت یارانه‌های نقدی در سال ۸۷ ضریب جینسی را کاهش داد اما به مرور به همین سیاست هم

انتقاد شد، چرا که پرداخت یارانه نقدی زمانی کلید خورد که تورم در سطح ۲۵ درصد قرار داشت. سیاست پرداخت یارانه نقدی امروز هم ادامه دارد و از سال ۹۸ یارانه معیشتی هم به آن اضافه شد. اتفاقاً نقدی که به دولت‌های بازدهم و دوازدهم وارد کردند این بود که رقم یارانه‌ها را ثابت نگه داشتند و البته دولت سیزدهم هم همین راه را می‌رود. با توجه به اینکه سیاست جبرانی دیگری برای حمایت از مردم در شرایط تورمی تعریف نشده و این سیاست هم در مقابل تورم ارزش خود را از دست داده، چه رویکردی باید در پیش گرفته شود؟

هر اقدام مثبتی برای کاهش شکاف طبقاتی را باید تشویق کرد اما اگر این اقدامات تصنعی و بدون پیش‌بینی آثار بلندمدت انجام شود، نه تنها مفید نیست بلکه در بلندمدت آتشی است که به دست فقرا به تورم اضافه می‌شود، چرا که تقاضایی افزون بر تقاضای ثروتمندان، خلق می‌کند در نتیجه این پول هم بلافاصله به جیب ثروتمندان می‌رود. اساساً این پول هم کمکی است که به دست فقرا به کیسه ثروتمندان می‌رود. بنابراین تا تورم کنترل نشود هر پرداختی کمک به این کیسه است.

از تباطؤ بین قیمت ارز و تورم را کتمان نمی‌کنیم. اما نرخ ارز به واسطه تورم رشد می‌کند؛ از طرفی، ممکن است که همین میزان ارز هم برای کشور زیاد باشد. مشکل تولید هم تولید سنتی نیست بلکه «تولید فناورانه» است؛ موضوعی که مقام معظم رهبری هم بر آن تأکید داشتند و تشویق کردند. اساساً تولید فناورانه تقاضا برای ارز زمین می‌زند. با این حال اگر در شرایط تولید سنتی، ارتباط ثروتمندان با بازار ارز را هم قطع کنیم، آنها با بازار دیگری ارتباط می‌گیرند.

زمانی که از دریافت مالیات از ثروتمندان دفاع می‌کنید، ذهن مخاطب به سمت این پرسش می‌رود که آیا منظور تان نهادهایی است که از اقتصاد ایران بهره می‌گیرند تا قدرت اقتصادی خود را بسط دهند یا افراد صاحب کسب و کار و تولیدکنندگان را در نظر دارید، چون به هر حال بخشی از این تولیدکنندگان هم با توجه به کاهش درآمد افزایش بدهی خود، توان تأمین منابع مالیاتی دولت را ندارند. منظور تان از ثروتمندان، دقیقاً چه کسانی است؟

من در ثروتمندان، دسته خاصی را هدف می‌گیرم؛ بانکداری خصوصی، بانکداران بخش خصوصی، اساس خلق پول، بازی‌های پولی و مالی، سرقط از مالیات و جیب مردم هستند. باجه‌بازی این دستبرداران انجام می‌دهند، با پرداخت وام به سودگران و کسانی که ما به آنها غیرمولد می‌گوییم. همین عده هستند که پایشان را در جای خطایی گذاشته‌اند. آنها با متصل کردن خود به این ساختار پولی و مالی، نه خدمت می‌کنند و نه تولید کالا و نه هیچ نوع تولید دیگری. بنابراین اساس ثروت اینها اشکال دارد و خطاست. خیلی از اینها با پولشویی، به ثروت رسیده‌اند. در تمام اقتصادهای دنیا، حالا با هر گرایش، مصادره ثروت افرادی که به پولشویی دست می‌زنند، مجاز است. عمل انقلابی یعنی در آمد را از اینها گرفت.

باید در نظر داشت که تنگ کردن سفره فقرا باعث شادی اغنیا و افزایش ثروت آنها و کاهش ثروت فقرا می‌شود. در این شرایط، ما از سیاست‌های مالیاتی حمایت می‌کنیم. هر بودجه‌ای که به مالیات متکی شود، به همان اندازه که این کار را انجام می‌دهد، قابل تشویق است اما در مورد نحوه اجرای آن بحث داریم. ما می‌گوییم مالیات را باید کسانی بپردازند که بیشترین تقاضا را ایجاد می‌کنند. نباید فراموش کرد که ثروتمندان، پس از انقلاب ۱۰ درصد ثروتمندتر شده‌اند. به همین دلیل باید با «از کجا آورده‌ای؟» سراغ آنها برویم. اگر با مالیات در ایجاد ثروت تعادل ایجاد کنیم «ضریب جینی» به‌عنوان شاخص

**بانکداران بخش خصوصی، اساس خلق پول، بازی‌های پولی و مالی، سرقط از مالیات و جیب مردم هستند. باجه‌بازی این دستبرداران انجام می‌دهند، با پرداخت وام به سودگران و کسانی که ما به آنها غیرمولد می‌گوییم**

از نیروی کار و حقوق‌بگیر حاصلی برای اقتصاد ندارد. در این کشور، عده زیادی مهمان «کیسه فقرا» هستند. ثروتمندان از کیسه فقرا خریدارزان می‌کنند. ثروتمندان از کیسه فقرا به خارج از کشور می‌روند. منظورم از کیسه فقرا، تورم است. تورم یعنی جشن اغنیا. اساساً هر بودجه‌ای که برای کنترل تقاضا برنامه داشته باشد را می‌توان قدیمی رو به جلو دانست، البته امیدواریم که این بودجه با متمم اصلاح نشود.

اگر روی این میزان مالیات اصرار می‌کنند تا آخر هم روی آن پافشاری کنند اما مالیات را نمی‌توان از فقرا دریافت کرد و مالیات فقرا هم باید متوجه ثروتمندان شود. ثروتمندان نمی‌توانند در جای خوب قطار بنشینند و حتی پول آن‌را هم ندهند. زمانی هم که از آنها مالیات خواستند توری بر خورد کنند که انگار با همین سهم ناچیز از مالیات هم به کشور صدقه می‌دهند. اموال ثروتمندی را که مالیات نمی‌دهد باید مصادره و او را زندانی کرد. عمل انقلابی کنید و هر کس که از پیش از انقلاب تا امروز مالیات نداده را شناسایی و سهمش را وصول کنید. در این شرایط، عمل انقلابی یعنی دریافت مالیات. این کار را انجام دهید و ببینید که تورم چه اندازه کوچک می‌شود. البته ما

باید این مالیات را پرداخت کند. در لایحه بودجه ۱۴۰۱ فقط حقوق‌بگیرها را مشمول مالیات کرده‌اند. نمی‌گویند از ثروتمندان چه میزان مالیات را باید دریافت کنند. در حال حاضر مشکل اقتصاد، تقاضای زیادی است که از ناحیه همین ثروتمندان ایجاد شده است. تا این تقاضای اضافی وجود داشته باشد، هر چه قدر ارز، کالا... باشد، خریداری می‌کنند اما اگر این تقاضا بازار بیرون برود یا اینها نمی‌توانند خرید کنند یا اینکه اساساً جسارت خریدهای بی حساب و کتاب و ثروت‌اندوزانه را به خود نمی‌دهند، آن وقت اقتصاد و تورم به تعادل برمی‌گردند. واقعیت این است که مالیات اساس تعادل و تورم حاصل بی‌تعادلی در اقتصاد است.

**زمانی که بحث تعادل در اقتصاد مطرح می‌شود، ذهن به این سمت می‌رود که باید ثروتی خلق شود که مایه‌های آن دولت‌ها مالیات بستانند و هزینه‌های مخارج کشور را تأمین کنند اما اقتصاددان‌ها می‌گویند که نرخ تشکیل سرمایه در ایران منفی است و اقتصاد ایران قدرت خلق ثروت را از دست داده است. با چنین منطقی دولت واقعا می‌تواند درآمدهای مالیاتی‌اش را افزایش دهد؟**

اتفاق سرمایه برای تثبیت شدن با نرخ‌های سود پایین‌تر، توان مراجعه به تولید را دارد اما این ۶۳ درصد تقاضا از این راه برهیز می‌کنند، به این بهانه که تورم بالا رفته و گردش سرمایه در منابع مرتبط با تولید، به صرفه نیست. اگر چنین توجهی را دست و پانمی‌کردند و به جای این حرف‌ها سهم‌شان از تقاضایی که برای کالاهای لوکس، مسکن و... ایجاد کرده‌اند را پرداخت می‌کردند، تعادل به اقتصاد بازمی‌گشت. البته در دریافت مالیات

**اقتصاد را به سطح پیش از دهه ۸۰ رسانده است. آیا رویکرد افزایش مالیات، می‌تواند تناسبی با حال کلی اقتصاد و حال معیشتی مردم داشته باشد؟**

در حال حاضر ثروتمندان مالیات نمی‌دهند و به همین خاطر نرخ تورم بالا رفته است. اساساً کنترل تورم از راه کاهش قدرت خرید انجام می‌شود و کاهش قدرت خرید یعنی کاهش تقاضا در حالی که ۶۳ درصد تقاضا در دست سه دهک بالای درآمدی است. بنابراین اگر تقاضای ایجاد شده توسط این سه دهک، کنترل شود، تورم هم کنترل می‌شود یعنی اینکه نیازی به کاهش سطح قدرت خرید مردم وجود ندارد. دولت به کنترل تقاضای ۱۰۰ درصد مردم نیاز ندارد بلکه کافی است همین ۳۰ درصدی که ۶۳ درصد تقاضا را به وجود آورده‌اند، کنترل شوند و آن‌ها مالیات دریافت شود. اگر دولت و مجلس می‌خواهند انقلابی عمل کنند، امسال این سه دهک را شناسایی کنند و مالیات واقعی بگیرند. اگر اینها به خارج از کشور سفر می‌کنند و سرمایه کشور را خارج می‌کنند، از خروجشان جلوگیری کنند الان عده‌ای فکر می‌کنند که ما در یک اقتصاددین‌المللی زندگی می‌کنیم. بپارها گفته‌ایم که انقلاب اسلامی به این معنی بود که ما از قطار بین‌المللی پیاده شدیم و قطار ایران اسلامی را سوار شدیم. عده‌ای می‌گویند ما انقلابی هستیم ولی می‌خواهیم در قطار بین‌المللی بنشینیم. آنها پول بیت و جای گرم و نرمی که برای خود پیدا کرده‌اند را هم نمی‌پردازند. حتی مدعی هستند که از پیش گفته‌ایم که برای سوار شدن اطلاع‌رسانی کرده‌ایم.

**با رونمایی از لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ پرسش‌هایی در مورد اینکه چارچولت در این لایحه درآمدهای مالیاتی خود را بیش از ۶۰ درصد افزایش داده ایجاد شد؛ آن هم در شرایطی که منابع افزایش حقوق شاغلان تنها ۳۷ درصد رشد کرده است. به نظر می‌رسد که دولت بیش از اندازه به سمت مالیات متمایل شده در حالی که برای افزایش فروش نفت و افزایش قیمت جهانی نفت، هیچ چشم‌انداز مثبتی وجود ندارد. با توجه به اینکه تحریم‌ها علاوه بر کاهش درآمدهای ارزی کشور، سطح رفاه و سرانه در آمد ملی را هم کاهش داده و از لحاظ شاخص برابری قدرت خرید،**

بخش حقیقی اقتصاد ایران که همواره به دلیل اتکای اقتصاد به نفت، برای دست یافتن به نرخ مثبت رشد در جامی‌زد پس از وضع تحریم‌های اقتصادی هر روز کوچک‌تر از قبل می‌شود. در این شرایط، بخش رانتی اقتصاد که عموماً متصل به یارانه‌های انرژی و درآمدهای ارزی بوده، روی موج‌های پر خاسته از شوک‌های ارزی نشسته و فر به‌تر شده است. در چنین شرایطی، لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ به مجلس ارائه شده است. قاعدتاً این بودجه از لحاظ محتوایی، باید متوجه توزیع برابر فرصت‌ها در اقتصاد باشد تا افرادی که معیشت‌شان از نحوه مدیریت روابط توزیع ثروت و عدم تحرک در درآمدهای ملی لنگ می‌زند، مجالی برای تنفس پیدا کنند. خبرگزاری کار ایران (ایلنا) در گفت‌وگو با «علیرضا محبوب»، دبیر کل خانه کارگر و نماینده ادوار مجلس، الزاماتی که باید در لایحه بودجه ۱۴۰۱ لحاظ یا حفظ و تقویت شوند را بررسی کرده در ادامه می‌خوانید.

**بارونمایی از لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ پرسش‌هایی در مورد اینکه چارچولت در این لایحه درآمدهای مالیاتی خود را بیش از ۶۰ درصد افزایش داده ایجاد شد؛ آن هم در شرایطی که منابع افزایش حقوق شاغلان تنها ۳۷ درصد رشد کرده است. به نظر می‌رسد که دولت بیش از اندازه به سمت مالیات متمایل شده در حالی که برای افزایش فروش نفت و افزایش قیمت جهانی نفت، هیچ چشم‌انداز مثبتی وجود ندارد. با توجه به اینکه تحریم‌ها علاوه بر کاهش درآمدهای ارزی کشور، سطح رفاه و سرانه در آمد ملی را هم کاهش داده و از لحاظ شاخص برابری قدرت خرید،**

## افزایش مبلغ یارانه، درمان دردهای مردم نیست



یک کارشناس حوزه کار گفت: اگر چه دولت در صدد است با افزایش مبلغ یارانه‌ها به بودجه خانوارها کمک کند ولی نباید از آن طرف به خرج و مخارج خانوار اضافه کرد. انتظار مردم این است که همان یارانه ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی را برگرداند ولی دولت تورم را نگه دارد.

حمید نجف در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: برای کالاهای اساسی و کنترل قیمت آنها نیاز داریم که یارانه اختصاص بدهیم یعنی برای مایحتاج عمومی مثل روغن، برنج، مرغ و تخم‌مرغ که ارتباط مستقیم با معیشت مردم دارند باید یارانه پرداخت کنیم و بر همین اساس از سال‌های گذشته طرحی مبنی بر اختصاص ارز ۴۲۰۰ تومانی به کالاهای اساسی در دستور کار قرار گرفت.

وی درباره اختصاص منابع حاصل از حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی به یارانه‌ها با هدف کمک به معیشت خانوارها گفت: در حال حاضر این استدلال وجود دارد که منابع حاصله بابت افزایش یارانه‌ها اختصاص باید تا به بهبود معیشت خانوارها و اقشار آسیب‌پذیر کمک شود ولی این نگرانی وجود دارد که ما تجربه یارانه‌ها را یک بار در گذشته داشتیم که چندان موفق نبود لذا تجربه را تکرار به اردن کردن خطاست و باید این طرح به صورت دقیق اجرا شود.

این کارشناس حوزه کار افزود: نمی‌توانیم یارانه‌ها را به ۲۰۰ هزار تومان افزایش بدهیم و به بودجه یک خانوار چهار نفره ۸۰۰ هزار تومان اضافه کنیم ولی از آن طرف ۴ میلیون تومان به خرج و مخارج خانوار بیفزاییم. شاید از این ۴ میلیون تومان، ۸۰۰ هزار تومان را بابت یارانه پوشش بدهیم ولی مابقی که سه میلیون و ۲۰۰ هزار تومان را کارگر باید چگونه و از کجا تأمین کند؟ نجف تأکید کرد: افزایش مبلغ یارانه‌ها خوب است به شرطی که به هزینه‌های زندگی اضافه نکند لذا معتقدم در شرایط حاضر دردی از جامعه کارگری دوانمی‌کند چون ممکن است خرج و مخارج خانوار را افزایش دهد و طبقات کم‌درآمد و محروم را به زیر خط فقر سوق دهد.

## سه کارگر بر اثر انفجار، کشته و زخمی شدند

سه کارگر بر اثر انفجار سیلندر گاز اکسیژن در یک کارگاه تراشکاری در میدان کریمی گرگان کشته و زخمی شدند.  
به گزارش ایلنا، در این حادثه که در یک کارگاه تراشکاری مستقر در یک گاز تراشکاری خودرو رخ داد، کارگری مشغول خالی کردن سیلندرهای گاز اکسیژن از یک خودرو کامیون بود که ناگهان یکی از سیلندرهای اثر بر خورد با زمین منفجر و همین موضوع سبب مرگ آنی او و مصدومیت دو کارگر دیگر در این حادثه شد. طبق این گزارش، شدت انفجار به حدی بالا بوده که شیشه‌های کارگاه‌های مجاور نیز در اثر این حادثه شکسته و یک خودرو پارک شده در محل نیز به‌صورت کامل خسارت دیده است.

## ۳۸/۷ درصد شاغلان کشور در سال گذشته، اشتغال غیررسمی داشته‌اند



۱۳۹۹ نشان می‌دهد که ۴۳.۸ درصد جمعیت شاغل باسواد، دارای اشتغال رسمی هستند در حالی که ۱۵.۸ درصد جمعیت شاغل بی‌سواد دارای اشتغال رسمی هستند. آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد که در سال گذشته ۴۸.۲ درصد از شاغلان شهرنشین کشور دارای اشتغال رسمی بوده‌اند و ۱۵.۸ درصد از شاغلان شهری در بخش غیررسمی فعالیت کرده‌اند اما هم‌زمان در مناطق روستایی فقط ۲۴.۲ درصد شاغلان در بخش رسمی فعالیت داشته‌اند و ۷۵.۸ درصد از آنها جزو شاغلان بخش غیررسمی ثبت شده‌اند.

همچنین این آمارها حاکی از آن است که در مناطق شهری، سهم بیشتری از زنان مشغول فعالیت رسمی بوده‌اند و ۵۲.۵ درصد از زنان شاغل در این بخش فعالیت داشته‌اند در حالی که در مناطق روستایی ۸۸.۸ درصد از زنان در بخش غیررسمی فعالیت کرده‌اند و فقط ۱۱.۲ درصد از آنها شاغل رسمی بوده‌اند.

۲۶۳ هزار نفر، حدود هشت میلیون و ۹۹۲ هزار نفر دارای اشتغال غیررسمی و ۱۳ میلیون و ۹۴۰ هزار نفر دارای اشتغال رسمی و ۳۳۱ هزار و ۹۲۴ نفر در بخش خانوار اشتغال این نتایج حاکی از آن است که در سال گذشته، ۱۷.۱۸ درصد از جمعیت شاغل در بخش خدمات، ۵۴.۷ درصد از جمعیت شاغل در بخش صنعت و ۳۶.۴ درصد از جمعیت شاغل در بخش کشاورزی، رسمی و در همین مدت در ۴۶.۱ درصد از جمعیت شاغل در بخش خدمات، ۶۵.۷ درصد از جمعیت شاغل در بخش صنعت و ۷۷.۱ درصد از جمعیت شاغل در بخش کشاورزی و در بخش غیررسمی مشغول به کار بودند.

گزارش مرکز آمار نشان می‌دهد که ۴۲ درصد از جمعیت شاغل، دارای «اشتغال رسمی» بوده‌اند. بررسی روند تغییرات وضعیت اشتغال حاکی از آن است که این سهم به مقایسه با سال قبل (۱۳۹۸) ۱.۳ درصد افزایش یافته است. بررسی سهم جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیشتر در سال

مرکز آمار ایران در گزارشی نتایج اشتغال رسمی و غیررسمی در سال ۱۳۹۹ را منتشر کرد. براساس این گزارش، سهم جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیشتر براساس تفکیک وضع اشتغال در بخش رسمی ۵۹.۹ درصد، در بخش غیررسمی ۳۸.۷ درصد و بخش خانوار ۱.۴ درصد بوده است. به گزارش ایران، بررسی وضعیت اشتغال نشان می‌دهد که ۹۹.۱ درصد از جمعیت شاغل دارای اشتغال رسمی در بخش رسمی فعالیت می‌کنند در حالی که ۶۶ درصد جمعیت شاغل دارای اشتغال غیررسمی در بخش غیررسمی فعالیت می‌کنند. بررسی تغییرات سهم اشتغال رسمی حاکی از آن است که این سهم در مقایسه با سال قبل (۱۳۹۸) ۰.۸ درصد افزایش یافته است. شایان ذکر است طبق آخرین آمارهای موجود، این سهم در برخی کشورهای در حال توسعه از جمله ترکیه و برزیل به ترتیب ۷۱.۱ درصد و ۶۷ درصد و در کشورهای نظیر مصر و اندونزی به ترتیب ۳۶.۹ و ۴۸.۳ درصد بوده است. براساس این گزارش، در سال ۱۳۹۹ از ۲۳ میلیون و

خبر

مرکز آمار ایران: